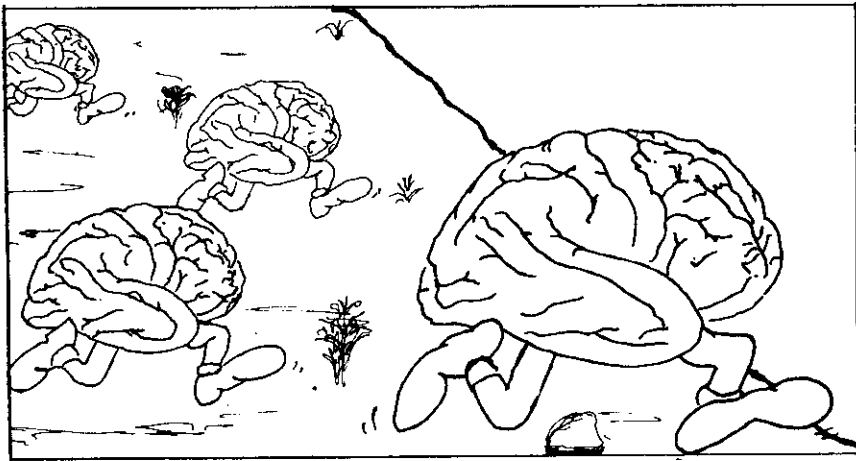


مساله فرار مغزها و عدم مدیریت اقتصادی

محمدعلی شاملو، وکیل دادگستری



▲ به گفته وزیر علوم، فرار مغزها جدی است.

آقای دکتر معین، وزیر علوم می‌گویند: «فرار مغزها جدی است.» (روزنامه آفتاب یزد ۷۹/۱۰/۱۲). ایشان همچنین دلسوزی کرده‌اند که: «نخبگان کشور امنیت فکری می‌خواهند.» (روزنامه همشهری ۷۹/۱۰/۱۲)

آقای غلامحسین خورشیدی، مدیر ارزیابی مدیریت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور می‌گویند: «ضربه‌ای که اقتصاد ملی از بد مدیریت کردن متحمل شده، از هیچ عامل دیگری نخورده است. اقتصاد ما همچون بیماری است که توسط پزشکان ناوارد مداوا می‌شود.» (روزنامه همشهری ۷۹/۱۰/۶)

موضوع این نوشته، گفتگو درباره دو نظریه این دو شخصیت کلیدی حکومت است، چه رابطه منطقی بین این دو نظریه وجود دارد؟ می‌خواهیم در این رهگذر علل فرار مغزها و نخبگان را دریابیم و راه چاره را تا آب از سر گذشته، به زعمای قوم نشان دهیم و حضرات را به ادامه گفتگو در همین مجله وزین دعوت کنیم. جوانان دانش‌پژوه ما چون پرندگان خانگی و کبوتران جلد هستند که وقتی پر و بال گرفتند و بر بام‌های خانه‌ها لانه کردند، برای سیر و سیاحت و آوردن میهمانان غریب به لانه خود آماده پرواز می‌شوند، و پرورش دهندگان این کبوتران نیز باید قبلاً بستر امن و آرام و آماده‌ای را برایشان حاضر کرده باشند تا به همین

آشیانه مألوف باز گردند و با خود سوغات نیز بیاورند. بنابراین، قبل از تبدیل دانشجویان به «مغزها» باید اولیای امور بستر اقتصادی و علمی امن و آماده‌ای را برای استفاده از مغزها ایجاد کرده باشند.

ولی آیا ساختن اینگونه بسترهای امن و آماده بدون وجود مدیران اقتصادی متخصص وطن‌خواه ممکن است؟

منحصراً ملت ما باید از وجود این مغزها که برای پرورش آنها خون دل‌ها خورده شده و سرمایه‌ها خرج کرده و امیدها بسته، استفاده کند، ولی این امر از طرفی محتاج درک و احساس احتیاج مبرم به درخشندگی فرهنگ و قانون و از طرف دیگر، نیازمند وسایل تربیت مدیران اقتصادی مستقل و مختار در تمام مراکز اقتصادی مملکت است تا موجبات آماده ساختن بستر اقتصادی و فرهنگی مطمئن برای فعالیت مغزها در جمهوری اسلامی ایران را فراهم کنند.

ولتر می‌گوید: «عظمت یک ملت نه به قدرت نظامی، بلکه به درخشندگی فرهنگ و قانونی است که دارد.»

ما نه تنها مدیران اقتصادی متخصص تربیت نکرده‌ایم، بلکه اساساً در فرهنگ ما هنوز واژه مدیر اقتصادی و اهمیت کاربرد آن تعریف نشده است و حتی به قول آقای وزیر علوم: «فاقد فرهنگ تحقیق هستیم.» (روزنامه همشهری ۷۹/۱۰/۲۰)

وقتی «مغزها» برای بهره‌وری به این

محیط اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی وارد می‌شوند، با شخصیت‌ها و مراجعی به عنوان مدیریت و مدیر مواجه می‌گردند که نه آنان را درک می‌کنند و نه محیطی را برای فعالیت آنها فراهم کرده‌اند، زیرا با اصول علمی مدیریت و فرهنگ تحقیق آشنایی ندارند. از طرفی دیگر، دورنما و شاید سراب تسهیلات درخارج از مرزها را از طریق ارتباطات جمعی می‌بینند و لاجرم راه هجرت در پیش می‌گیرند و مردم محروم ما را از ثمرات پرارزش خود بی‌بهره می‌گذارند. بنابراین، در واقع نخبگان را دانسته یا ندانسته خودمان کوچ می‌دهیم!

بنابراین، موضوع گفتگو و دیالوگ ما با اولیای امور این است که فرار مغزها به علت فقدان مدیران اقتصادی و برنامه‌ریزی علمی است. این مدیران را نباید دانشگاه‌های مستقل و اساتید متخصص بی‌نیاز پرورش دهند و سپس برنامه‌ریزی اقتصاد کلان مملکت به آنان سپرده شود. باید از دانشمندان متخصص عالی مقام بی‌طرف در علوم مدیریت اقتصادی جهان دعوت کرد تا هراز گاهی در دانشگاه‌ها و در پیشگاه زعمای قوم کنفرانس بدهند.

کوتاه سخن اینکه «کنار را نباید به کاردان سپرد.» نظریات آقای وزیر علوم و مدیر ارزیابی در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور گفتار صحیحی است، ولی «دو صد گفته، چون نیم کردار نیست.»